

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نگاهی به بودجه سال ۱۳۵۶

لایحه بودجه سال ۱۳۵۶ با تأخیر بسبب فراوانی کارهای برای تصویب در اختیار مجلس گذارده شد تا تأخیر نتیجه تجدید نظری بود که به علت نرسیدن وقت در ثلث اول ماه ژانویه، کمیابست تنظیمی بعمل آید. هودنا در حالیکه در برابر نکاسی خیر نگاران، مانند همیشه، کیفیت خود ست بلند کرده بود، اعتراف کرد که این بار سبکتر از همیشه است. ولی در گزارش خود بدون آنکه به سبکی کفیش اشاره کند، تر شدن وزن در آمد های غیر نفتی بودجه را یا از وابستگی یک جانبه امور مالی دولت به نفت میگوید، یکی دیگر از موفقیتهای و انتخارات بود، البته زیر فرماندهی شاهنشاه، اعلام نمود. برسی این بودجه از عهده نوشته کوتاه می آید. مخرج است. باینجهت ما اینجا فقط به نکته در باره آن بسنده میکنیم:

چگونگی استفاده از این درآمد است. دولت در بودجه تنظیمی (پیش از تجدید نظر) میزان صادرات روزانه نفت را ۵ میلیون بشکه پیش بینی کرده بود. ولی پس از این پیش بینی، کاسته شدن از میزان صادرات نفت، این گمان را در رژیم تقویت نمود که انحصارها از خرید این مقدار نفت خود داری خواهند کرد و لذا در پیش بینی خود تجدید نظر کرد و میزان صادرات احتمالی نفت را ۶ میلیون بشکه تعیین نمود. اگر این کاهش تحمیلی و در عین حال احتمالی صادرات نفت نبود، سهم درآمد نفت در بودجه با تغییر نمیگردد و یا کاهش باز هم جزئی تری داشت. اینکه ما روی احتمال کاهش صادرات نفت تکیه میکنیم دو دلیل دارد. اولاً، نمیتوان وضع خاصی را که در ده روز و حتی تمام ماه ژانویه پیش آمد، پایه یک گرایش حتمی برای تمام سال ۱۳۵۶ قرار داد. ثانیاً احتمال افزایش صدور نفت در سال ۱۳۵۶ چندان بی پایه نیست زیرا با اینکه میزان صادرات نفت ایران در ژانویه کمتر از میزان پیش بینی بود، در ماه فوریه این صادرات به حدود ۵٫۷ میلیون بشکه در روز رسید که نه تنها ۳۰٪ در صد بیش از ماه ژانویه، بلکه حتی حدود ۲۰٪ در صد بیش از ماه مشابه سال قبل بود و از رقم پیش بینی شده در بودجه پیش از تجدید نظر هم تجاوز کرد (خرید کنسرسیوم نیز در ماه فوریه ۳۴٪ در صد بیش از ژانویه و ۲۶٪ در صد بیش از ماه مشابه سال قبل بود). اگر وضع به همین نحو پیش رود، سهم درآمد نفت در مجموع در آمد های دولت نه فقط کاهش نخواهد یافت، بلکه احتمالاً بیشتر خواهد شد. بهر حال، قطع نظر از اینکه میزان صادرات نفت ایران کاهش یا افزایش یابد، این واقعیت که چگونه سرزودت بودجه و اقتصاد کشور در گرو در آمد نفت، بالتجربه، مستغوش پایبندی سیاست های دول امریالیستی و انحصار های نفتی است، بجای خود باقی خواهد ماند. فراموش نکنیم که نفت بیش از ۷۰٪ در صد در آمد دولت و حدود ۴۰٪ در صدر در آمد ملی ما را تشکیل میدهد. در تغییر ترکیب در آمد های دولت، در لایحه، نه فقط کاهش میزان در آمد نفت، بلکه افزایش در آمد های غیر نفتی، بخصوص مالیاتها، نیز مؤثر بوده است. میزان مالیاتها از ۳۱۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به ۴۲۰٫۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ یا بیش از ۳۴٪ در صد افزایش خواهد یافت و سهم آن از ۱۷٪ در صد به ۲۱٫۷٪ در صد در آمد های عمومی دولت بالغ خواهد شد. دولت این تغییر را نیز یکی از پیروزیهای خود جلوه میدهد. ولی این افزایش در آمد های مالیاتی نه به حساب ثروتمندان، بلکه بطور عمده بحساب توده زحمتکش بدست خواهد آمد. از ۱۰۷٫۸ میلیارد ریال افزایش مالیاتها ۸۲٫۳ میلیارد ریال یا ۷۷٪ در صد را مالیاتهای غیر مستقیم و مالیات بر حقوق و مستود تشکیل میدهد. با اینکه افزایش نسبتاً قابل

تمام زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

و از جمله نظر متفق همه ناظران بین المللی، در رفتار بازندان سیاسی ایران از مرحله بازداشت تا محکومیت، حتی ابتدائی ترین موازین حقوق بشری رعایت نمیشود و زندانیان سیاسی هدف انتقام کشی، خشونت و بربریت رژیم قرار دارند. زندانیانی که نه به تشخیص قوانین معتبر داخلی و بین المللی، بلکه بموجب سرشت تبه کار و شرور بختیارها، نصیبی ها و ثانیاتی ها و در اجراء اراده یک شاه مستبد زندانی شده اند، هیچ جرمی جز میهن پرستی و مردم دوستی ندارند و به همین جهت افکار عمومی ایران و جهان، آزادی آنها را خواستار است. کهن ترین زندانی سیاسی جهان رفیق صفر قهرمانی دنیاله در صفحه ۲

خانواده های خود باز گشته اند. ولی واقعیت آنست رژیمی که محصول کودتای ۲۸ مرداد و ساخته دست سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس است، برای تحمیل خود بمردم بمباره یک رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک، طی موجودیت ۲۳ ساله خویش، سازمان جاسوسی سواک و سر نیزه های پلیس و ارتش را، تکیه که خود قهرار داده و همه مخالفین خود را در هر لباس و با هر عقیده سیاسی و اجتماعی، زندانی ساخته است. عده ای از باز داشت شدگان در داد گنهای غیر قانونی نظمی محکوم و عده دیگری حتی بدون ارجاع پرونده آنها به داد گاه در فراموشخانه های شاه بسر میبرند. طبق مدارک متعدد

توطئه علیه اوپک، توطئه ایست دامنه دار

در شایعه پراکنی محافل امریالیستی علیه اوپک شریک است. در ریاض نیز مانند واشنگتن و لندن چنین تلمذها میکنند که گویا اوپک در حال از هم گسستگی و از هم پاشیدگی است. آنچه بدان اشاره کردیم نشان میدهد که توطئه محافل امریالیستی بسرمهداری امریالیسم امریکا و کارتل علیه کشور های نفت خیز در حال رشد، توطئه ای دامنه دار است. موضوع امریالیسم در این توطئه بر محاسبات منطقی اقتصادی و مالی که توجیه کننده زیان یک طرف و یا نفع طرف دیگر باشد، بنا گذاشته شده که بتران با ارائه دلایل متقن بسود اوپک آنرا تغییر داد. امریالیسم و کارتل میخواهد ثروت نفت کشور های نفتخیز در حال رشد را غارت کند و به استثمار و تسلط خود بر صنایع و بازرگانی جهانی نفت ادامه دهد. دولت عربستان سعودی، گرچه دولت یک کشور نفت خیز در حال رشد است ولی از آنجا که دولتی دست نزنده و ارتجاعی است، بسود امریالیسم عمل میکند و مجری توطئه کارتل است. از اینرو ساده لوحی است اگر برخی زمامداران اوپک چنین پنداری داشته باشند که گویا با تصاحب مشفقانه و پیشنهاد های مصالحه آمیز، میبایست توطئه امریالیسم و کارتل را خنثی سازند. این توطئه را فقط با مبارزه قاطع میتوان خنثی ساخت. باید رگت واقعیت اخیر برای آن دول نفت خیز که روش قاطعی در حفظ منافع ملی خود در نفت داشته و دارند واقعیت شناخته شده است. بر همین مبنا است که مثلا دولتهای الجزایر، عراق، لیبی و سپس نیجریه و ونزوئلا به اقدامات قاطعی در زمینه حفظ و استیلائی حقوق ملی در نفت در سالهای گذشته مبادرت ورزیده اند. در این کشور ها صنایع نفت ملی شده و قرار داد های امتیازی نفت لغو شده اند. همچنین در جهت جلوگیری از آسیب پذیری اقتصاد ملی و صنایع نفت در قبال تحریکات انحصارات نفتی اقدامات مهمی صورت گرفته است. خود داری از القادری بدام مسابقه تسلیماتی، اختصاص مبالغ عمده از درآمد نفت به اجرای برنامه های اقتصادی و عمرانی، توجه برقع عقب ماندگی ها در زمینه های اجتماعی و نظایر اینها اقداماتی است که مثلا بدولت الجزایر امکان داده است تا حد زیادی از آسیب پذیری خود در مقابل توطئه امریالیسم و کارتل بکاهد. گذشته از اقدامات اساسی در داخل، استقرار پیوند های گسترده اقتصادی و فنی میان این کشورها و دول سوسیالیستی، بویژه در زمینه صنایع نفت، نظیر آنچه در جمهوری عراق صورت گرفته، عوامل عمده ای هستند که به این دولتها امکان داده است تا از منافع ملی خود در نفت با قاطعیت دفاع کنند و استیلائی حقوق ملی در نفت را از قوه بغل فرآورند. این نوع اقدامات همچنین بدولت ملی و مترقی عضو دنیاله در صفحه ۲

اعتناع دولت عربستان سعودی از پذیرش پیشنهاد همگامی با اکثریت اعضای اوپک در مسئله افزایش قیمت های نفت نشأت میبدهد که توطئه امریالیسم و کارتل بین المللی نفت علیه کشور های نفتخیز در حال رشد، توطئه ای دامنه دار است. ماه گذشته وزیر نفت قطر بنمایندگی از جانب اکثریت اعضای اوپک پیشنهاد مصالحه آمیزی را بدولت عربستان سعودی ارائه داد. ما حاصل این پیشنهاد آن بود که در صورتیکه دولت سعودی، با قبول افزایش قیمت های نفت بمیزان ۱۰٪ در صد از اول ژانویه، به تصمیم اکثریت اعضای اوپک بپیوندد، متقابلاً این اقدام تصمیم افزایش پنج در صد دیگر به قیمت های نفت را که طبق تصمیم کنفرانس دوحه می بایست از اول ژانویه اجرا گذاشته شود، متوقف ساخته و آنرا به ژانویه سال بعد موکول خواهند نمود. بنظر میرسد پیشنهاد فوق نمیبایست جای هیچ گونه تردیدی در قبول آن از جانب دو عضو اوپک، یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عرب (که در کنفرانس دوحه راه تفرقه آوری در پیش گرفتند) باقی گذاشته باشد. این پیشنهاد اولاً متضمن تحکیم اتحاد اوپک است که بدون همه، منجمده که کشور اخیر عضو اوپک میباشد. ثانیاً پیشنهاد مزبور قبل از همه بسود دولت عربستان سعودی است، زیرا قبول آن باعث میشود دو میلیارد دلاری که از بابت تفاوت در افزایش قیمت نفت هم اکنون از جانب «آرامکو» تصاحب میشود، به در آمد دولت عربستان سعودی اضافه گردد. با وجود چنین مزایای آشکاری وزیر نفت عربستان سعودی پیشنهاد مصالحه اکثریت اوپک را رد نمود. دولت عربستان سعودی نه فقط کوششهایی را که متوجه تقویت اتحاد اوپک است بعنوان مختلف عقیم میگذارد، بلکه از ادامه تهدید افزایش پیرویه استخراج و صدور نفت بخلرج نیز دست بردار نیست. بعلاوه دولت سعودی

زندان تازه مخفی

موافق خبر موثقی که از ایران رسیده است رژیم یک زندان مخفی و مجهز و دارای زه ترسنت و وسایل ساخته است. کوشش بچسکار میروند محل و حتی وجود زندان کاملاً مکتوم و مخفی نگاه داشته شد. ظاهراً هدف سواک آنست که زندانیانی که در خطر ناله، تشخیص میدهد باین خدمه ید مرگ منتقل کند و آنها را از دیدگان بچسکار هیئت های بین المللی که امکان د برای تحقیق وضع بیانری بیابند دور نگاه د. زندان تازه در کنار دهها زندان گر که در سالهای اخیر ساخته شده مسلماً سمبول تازه ای از جنایات دد متشانه رژیم ل خواهد شد. شایان توجه است که در همین ایام رژیم ایران زندان مخفی تازه ای میسازد، شیلی نیز از وجود زندان «ناپدید شده ها» و میسرند! این شیوه ساختن زندان مخفی ای زندانیان «مخصوص» و ایجاد دکوراسیون لانهای «عایی» برای نشان دادن بخرجیان سی از زمان هیتلر متداول بوده است. هارات اخیر فرح پهلوی به روزنامه نگار زچی درباره امکان بازدید از زندانهای ایران، بین مانور ها مربوط است.

نامه حزب توده ایران به کمیسیون حقوق بشر

عده کثیری از زندانیان سیاسی، از جمله اعضای حزب ما، در شرایط وحشتناکی در زندانهای ایران بسر میبرند. بعضی از این زندانیان هم اکنون سالهای درازی است در زندانند. غلبی خاوری، عضو حزب توده ایران، مبارز و میهن پرست برجسته قریب ۱۳ سال است که در زندان است. صفر قهرمانی، عضو دیگر حزب ما، بیش از ۳۰ سال است که از آزادی محروم است. بنام حزب توده ایران، من توجه شما را به اوضاع کشورمان جلب میکنم. هیچ انسان آزادیخواهی نمیتواند در قبال وضعی که در ایران وجود دارد سکوت کند. من پیشنهاد میکنم، برای آنکه کمیسیون بتواند با اوضاع مشخص ایران آشنا شود و تحقیقات لازم در محل بعمل آورد و قدمهایی لازم را بر دارد، کمیسیون تحقیقی به ایران اعزام دارد. با احترامات: ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

نویسندگان و کارکنان مردم نورو باستانی و جشن بهاری را به همه هموطنان عزیز، هواداران و رفقای حزبی صمیمانه شادباش میگویند.
باشد که همبستگی مبارزان و تشدید پییکار مردم، روزرهای را نزدیک کند و شادی را در همه دلها نشانند.

تاج گل در پای مجسمه «بیاد خسرو روزبه»
روز ۱۴ بهمن بمناسبت روز شهیدان تاج گل بزرگی همدراه با عکس ارانی، از جانب حزب توده ایران در پای مجسمه «بیاد روزبه» گذاشته شد. در این مراسم شهردار فیانو رومانو نیز شرکت داشت.

نگاهی به بودجه سال ۱۳۵۶

توجهی برای مالیات شرکت های خصوصی نیز پیش بینی شده و ولی این افزایش نه از راه بالا بردن تعرفه های مالیاتی بلکه در نتیجه باصلاح بهبود نحوه تعیین و جمع آوری مالیاتها تأمین خواهد شد. به اعتراف مقامات رسمی اکنون بیش از ۱۰ هزار شرکت ثبت شده دارای پرونده و سابقه مالیاتی هستند و با وجود در آمد های سرشار اصلا دیناری مالیات نمیپردازند.

۲- در لایحه بودجه برای هزینه های مستقیم نظامی کاهش بندهای ۵۷ میلیارد ریالی (۱۰ درصد) پیش بینی شده است. این کاهش که بیشتر جنبه نمائشی و سمبولیک دارد، تغییراتی در ماهیت سیاست نظامی رزمی پدید نمیآورد. زیرا چنانکه مقامات رسمی خود تأکید میکنند این کاهش نه از روی میل بلکه بطور ناگزیر در اثر کاهش در آمد نفت انجام یافته است. دولت در لایحه بودجه پیش از تجدید نظر در صدد بود هزینه های نظامی را ۱۶۰ میلیارد یا بیش از ۲۸ درصد نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش دهد (افزایش هزینه های نظامی در سال ۱۳۵۵ فقط ۸ درصد بود). هزینه های نظامی از آن بود که به چنان میزان سرسام آوری رسیده که چه از لحاظ تناسب آن با درآمد ملی و چه از لحاظ نیازهای واقعی دفاعی کشور به هیچوجه قابل توجه نیست. در همین سال ۱۳۵۶ به هر فرد ایرانی، اعم از کودک شیر خوار و پیر از کار افتاده، سالانه ۲۳۵ دلار هزینه نظامی تحویل میشود. اگر هر خانوار ایرانی را ۵ نفر فرض کنیم هزینه نظامی تحویلی به هر خانوار ۱۱۸۵ دلار در ماه خواهد بود. بیش از درآمد متوسط خانوار های ایرانی! بودجه نظامی ایالات متحده برای سال مالی آینده ۱۲۰ میلیارد دلار پیش بینی شده که بهر فرد امریکائی ۵۶۴ دلار در سال میرسد. این رقم در حدود ۸ درصد در آمد ناخالص سرانه (بیش از ۷۰۰۰ دلار) این کشور است.

ولی مردم ایران با در آمد سرانه ۲۰۰۰ دلار (بداعتی رژیم) باید متحمل ۲۳۵ دلار هزینه نظامی شوند. یعنی بیش از ۱۱ درصد در آمد ناخالص سرانه! دولت که چپ و راست افزایش بیسابقه هزینه های اقتصادی و اجتماعی را در بودجه سال ۱۳۵۶ بر خ میگذارد، این واقعیت ها را از افکار عمومی پنهان میدارد. اگر این سیاست نظامیگری دیوانه وار رژیم نبود، هزینه های اقتصادی و اجتماعی را که مبالغ هنگفتی از آنها نیز صرف امور نظامی میشود، امکان داشت بجزایر برآورد. بسیاری افزایش داد و یا پیش گرفتن سیاست صحیح اقتصادی و مالی و در بهترین مرتبه تمام ناسامانی های اقتصادی و مالی کشور پایان داد و سطح زندگی و رفاهتشان را تا حد یک زندگی خوب و مرفه بالا برد. باید اضافه کنیم که به گفته هوندا، این کاهش ناچیز هزینه های نظامی جنبه کاملاً موقت دارد و در سال آینده اضافه در آمد ها به تقویت نیروهای دفاعی اختصاص خواهد یافت. شاه نیز در این مورد میگوید: «مگر میگویم که اوضاع مالی قریب مشکوک روزهای اول سال مسیحی ۱۹۷۷ خیلی زود برطرف شود و ایران بتواند در آینده نزدیکی همان وظایف ملی و بین المللی خود را ایفا کند و یا بقول هوندا به «پذیرفتن مسئولیت های بزرگتر... در دفاع از منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز، اقیانوس هند و نگاه به شرق» ادامه دهد.

۳- عدم تعادل میان در آمد ها و هزینه های دولت در سال ۱۳۵۶ به ارقام نجومی بیسابقه ای رسیده است. دولت برای تأمین هزینه های خود ۲۳۰۶ میلیارد ریال وام داخلی و ۲۵۹ میلیارد وام خارجی (جمعاً ۴۹۰ میلیارد ریال) دریافت خواهد کرد. اگر باز پرداخت وام های داخلی و خارجی و نیز سرمایه گذارها و اعطای وام و اعتبار خارجی دولت را از این رقم کسر کنیم، باز کسری بودجه برابر ۳۱۷٫۷ میلیارد خواهد بود. تازه، این کسری باصلاح تأمین شده است. یعنی آن کسری که دولت میخواهد از طریق دریافت وام تأمین کند. با اینکه بودجه سال ۱۳۵۶ با کسری تأمین نشده ای برابر ۱۲۲٫۶ میلیارد ریال و زور است. با در نظر گرفتن این رقم، کسری واقعی بودجه کشور به ۴۴۰٫۳ میلیارد ریال خواهد رسید، که حدود ۱۳ درصد بودجه کل کشور است! و این معنای ورشکستگی کامل مالی دولت است، اگر نتواند با افزایش صدور نفت آنرا جبران کند.

ایران کاملاً قادر است با کاستن از هزینه های مستقیم و غیر مستقیم نظامی، با پیش گرفتن سیاست اقتصادی و مالی و سرمایه گذاری و مکرراتیک، بدون آنکه حاجتی به افزایش غیر معقول صدور نفت داشته باشد و این ثروت ملی را بفراغت دهد. اقتصاد کشور را بحسری

توطئه علیه اوک

اوک امکان داده است تا نیل به پیروزیهای مهمی را برای اوک تأمین نماید و تحریکات امپریالیسم و کارتل را علیه این سازمان خنثی سازند.

میتوان گفت که پس از کنفرانس اخیر اوک در صوفیه نیز این واقعیت که در میزبانی علیه امپریالیسم و کارتل باید با قاطعیت عمل کرد، برای برخی دول دیگر عضو اوک مشهود گردید. مثلاً این امر کاملاً قابل دقت است که دولت ترکیه در ملی کردن کامل صنایع نفت خود تجدید داشت در همین اواخر اینکار را فیصله بخشید. همچنین کوششهای اخیر دولت نیجریه در همین زمینه قابل توجه و دقت است. در روز های اخیر دولت اندونزی نیز، با تجدید نظر در قراردادهای نفتی تحت تصرف اوک مشهود گردید. ۱۷ درصد به در آمد نفت خود نسبت سال گذشته افزود. در نپال دول عضو اوک این واقعیت که با حرف نمیتوان بمقابله با تحریکات امپریالیسم و کارتل پرداخت تنها برای دولت ایران واقعیتی ناشناخته است. در این مورد مشخصتر آنست که بگوئیم دولت ایران نمیخواهد به قبول این واقعیت تن در دهد. صنایع نفت ایران پیش از آغاز توطئه اخیر امپریالیسم علیه اوک قبل از همه کشور های تفخیز و پیش از همه آنها در معرض تحریکات کارتل قرار گرفت. این وضع باید چشم زمامداران را باز میکرد و آنان را به این نکته واقف میکرداند که ایران با وجود امکانات مهم بالقوه مساعی که برای دفاع از نفت خود دارد، بملت اجرای سیاست ضد ملی در نفت از جانب آنان بصورت یکی از ضعیفترین حلقات اوک در برابر تحریکات امپریالیسم و کارتل، بلا دفاع باقی مانده است. آنچه در یکی دو ماه اخیر میگذرد حاکیست که رژیم ایران به این مسائل نمی اندیشد و همچنان در صدد یافتن راه سازش با امپریالیسم و کارتل است و در تصمیمات متخذه نیز از برخی اقداماتی که جنبه تهدید دارد یا فراتر نمیگذارد. محلود مانده است تغییرات بودجه تنها به کاهش سمبولیک هزینه های تسلیحاتی و نظامی و امتناع از تغییرات اساسی در آن جهت تحکیم موضع ایران در مقابل تحریکات امپریالیسم و نوسانات قیمت نفت، شاهد این مدعاست.

سیاست تسلیحاتی و نظامی گری رژیم در سالهای گذشته زبان جبران ناپذیر عظیمی به کشور ما وارد آورده است. بهراره از صحت و رقتن میلیاردها دلار در آمد نفت، اجرای این سیاست باعث شده که کشور ما در مقابله با امپریالیسم و تحریکات آن در موضع ضعیفی باقی بماند. اکنون که میبایست چنین سیاستی بکنار گذاشته شود شاه همچنان گفته های سابق خود را تکرار میکند و میگوید افزایش قیمت و در آمد نفت را برای اجرای تعهدات نظامی و استراتژی در قبال جهان غرب لازم دارد. این اظهارات زمانی بعمل میآید که بتصدیق خود شاه امپریالیسم و کارتل توطئه وسیعی را علیه اوک و قبل از همه صنایع نفت کشور ما ایران به اجرا گذاشته اند.

مردم ایران میبایست از امکانات مساعد کنونی به منظور تأمین استقلال صنایع نفت ایران، کنار گذاشتن تعهدات نظامی و سیاسی در برابر امپریالیسم و پرداختن به مسائل حیاتی رفع عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی استفاده بعمل آید. ولی تجربه نشان میدهد که رژیم برای قبول این خواستها گوش شنوا ندارد.

م. جهان

گوشه ای از واقعیت کشوری که خود را

مدافع حقوق بشر جلوه میدهد

در امریکا ۲۳ میلیون بیسواد وجود دارد

خبرنگار پرواد از نیویورک میگوید: «ماورین» فلرمر ۴۶ ساله از ایالات «کراوات» چندی پیش سرانجام توانست نام خود را هیچی کند و بدینسان یک تن از جمع بیسوادان این کشور کاسته شد. ولی معضل اساسی بر جای ماند.

طبق آمار رسمی منتشره از طرف وزارت آموزش ایالات متحده امریکا ۲۳ میلیون تن امریکائی بزرگتر از ۱۶ سال مطلقاً بیسوادند. برآستی هم عجیب است که در عصر انقلاب علمی و فنی چنین وضعی در کشور امریکا وجود دارد. بجلست بخش هایی از نامه هایی را که متن آنها دیکته شده و کپیست و پرنامه تعلیم خواندن و نوشتن، وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده آنها را دریافت داشته است. فرایضا نقل کنیم: «من مرعی ۴۰ ساله هستم، کارگرم، تمام عمر آرزویم این بوده که راننده کامیون شوم. اما برای اینکار باید لااقل بتوانم تابلوهای راهنمایی را که در طول جاده ها نصب است بخوانم. بمن کمک کنید. امضاء: د. بلوم»

«من مرعی ۲۳ ساله ام. نمیتوانم برای خود کار پیدا کنم. زیرا سواد ندارم. شنیده ام که شما میتوانید نوشتن بمن بیاموزید.»

چندی پیش تازه فهمیدم که مذهب است برای خوراک خانواده ام قوطی های کسرو مخصوص سنگها را میخریم، زیرا نمیتوانستم نوشته روی قوطی کسرو را بخوانم.»

اینست گوشه ای از واقعیت «مهدآزانی» و کشور دفاع از حقوق بشر، که واژه هایی چون سولژنیستین ها و کوچک ابدالهایشان بلدان پناه برده اند.

تلم زندانیان سیاسی

از آنجست سی سال از بهترین دوران عمر خود را در زندان گذرانده که درصاف میلزبان دلیبر جنبش دمکراتیک آزادیخواهان برای تأمین حقوق خلق خود و سایر خلقهای ایران زبیده است. امیران قهرمان حزب توده ایران علی عموش، عباس حجری، تقی کی، نیش، رضاشاکو، محمد اسمعیل ذوالقدر و ابو تراب باقرزاده که ۲۳ سال است در زندان های شاه بسر میبرند، افتخارشان گذشتن از سر رهاه بیروز و مجاز و متعصب و مزاحمات کور کورانه، پیوستن به مبارزه مردم و بازده برای نیکبختی و بهروری محرومان و ستمکشان میهن خود بوده است. سایر زندانیان حزب توده ایران نیز این افتخار برتر کشان میبرخشند که بیشگمان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده اند. انگیزه همه گروهها و افرادی که در صفاهی پس از کودتا باز داشت و زندانی شده اند صرفه نظر از توسل این یا آن گروه و سازمان به برخی از شیوه های تا نرس متبازره - که ما با آن صریحاً مخالفت کرده ایم - دفاع از مردم، طرد امپریالیسم و ارتجاع حاکم بوده است.

قانون اساسی ایران، شکل حکومتی کشور را سلطنت مشروطه اعلام کرده، یعنی شاه را از دخالت در امور کشور منع کرده است. حال در شرایطی که یک شاه خودکامه، دیکتاتور قریب خویش را جانشین سلطنت مشروطه ساخته و سوگند خود را در پاسداری از قانون اساسی شکسته است، اگر قرار باشد که نافعین قانون اساسی نجات شوند - که باید هم مجازات شوند - آیا این شاه و اطرافیان او هستند و یا مبارزانی که برای پاسداری از ثمرات انقلاب پدران خود قد علم کرده اند؟ اعلامیه حقوق بشر میگوید: « هر حق حرد بر قراری نظامی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای او را که اعلامیه ذکر کرده است، تأمین کند و آنها را بپورد اجرا در آورد. حال اگر رژیم کثمت و حقوق و آزادیهای مردم، مصرحه در اعلامیه حقوق بشر را نقض کرد و اراده ای تن را جانشین همه کس و همه چیز ساخت، آیا مردم حق ندارند علیه چنین رژیم بمبارزه بر خیزند و برای جانشین سلختن آن با نظامی که حقوق و آزادیهای مردم را محترم شمارد اقدام کنند؟ طبیعی است که این بدیهی ترین، مشروعرین و قانونی ترین حق هر ایرانی چه طبق قانون اساسی و چه بموجب اعلامیه حقوق بشر است. بنا بر این هزاران مبارزی که در زندانهای شاه گرفتار آمده اند، نه تنها جرمی مرتکب نشده اند، بلکه قربانیان یک رژیم خود کامه اند که زندگی خود و خانواده هایشان، سالیان دراز در چنگال مهیب جانوران ساواک تباها شده است. از آنجست است

برادران تاجدار

اخیراً جیمس کارتر رئیس که ملک حسین پادشاه اردن، که شاه «برادر عزیز» خود خطاب میکند، از سازمان امریکا و سیا، سالانه بیش از ۷۵۰ هزار دلار میباشته و شخصاً یکی از خبر چینیان این سلاز و کارتر در هفته نخست زمامداری خود این سالانه را قطع کرده است. ملک حسین در مقابل غیر قابل انکار مجبور به اعتراف شده است و توجیه عمل خود معذکر شده که وی « سیا » از دولت امریکا میباید چگون موضوع دولت اردن جهانی بین میباید امریکا است لذا با « تشکک مبلغ را بعنوان کمک دریافت میباشته است. تا بهمن لندن ضمن انتشار این خبر افزوده است که هاشمی اردن از ۱۹۷۲ از انجمن سروس مترو میباشته و پس از جنگ جهانی دوم پرداخت ای به « سیا » و گذار شده است. روزنامه «د» ایتر نشنل هرالد تریبون در شماره ۲۵ ۱۹۷۷ تحت عنوان « برداشتهای سیا به لیدرها میانه، مقاله ای بقلم جیمس هوگننده نگاشته و ضمن افشاء نقش ملک حسین، و کمال احصم ملک فیصل و رئیس سازمان امنیت عربستان سعودی غسان شاکر یکی از دلالت اسلحه و ملک پادشاه عمان می نویسد: « شاه محمد رضا پهلای سلطان دیگری است که دارای ارتباطات نزد « سیا » است.

البته این اطلاع تازگی ندارد و نقش خانواده های اردن هاشمی و بهلوی طی نیم قرن از لحاظ رابطه با امپریالیسم روشن است و مذهب این « برادران تاجدار » از پدر و پسر به جسد خیانت سرگرمند.

که خواست همه مردم ایران در طی این سالها، تلم زندانیان سیاسی، همه فرزندان رشید و بیگ خلقهای ایران از زندانهای شاه بوده و در این سرسختی مبارزه کرده اند.

تعداد زندانیان سیاسی بنرستی معلوم نیست. در حالیکه برخی اسناد این تعداد را ۲۵ تا ۱۰۰ ذکر کرده اند، شاه در مصاحبه های خود که در «دروغ» جعل و تحریف است ارقام متفوتی را ارائه کرده است. کمتر از ۳۰۰۰، کمتر از ۴۰۰۰ ارقامی است که شاه اعتراف کرده و قطعاً با واقعیت تطبیق نمیداختن شدید و بستن در زندانها بر روی مردم و بین المللی تعیین رقم صحیح زندانیان سیاسی را ساخته است. آنچه مسلم است تعداد زندانیان و چندین برابر ارقام اعتراف شده از جانب شاه است. بر این اساس آزادی ۶۶ تن از چندین ده هزار نفر و مرد میهن پرستی که در زندانها هستند، بقا مانور تبلیغاتی بمنظور آرام سلختن افکار عمومی مردم ایران و جهان علیه رژیم است که تمام حقوق بشری را نقض کرده است. اما اینگونه ما نتیجه مطلوب را برای شاه بیبار نخواهد آورد. خواستار آنند که مجلس قانون قفو عمومی را تص کند و تمام زندانیان سیاسی بموجب این قانون آغوش خانواده های خود باز گردند و نه با سلازهای موهبت و نفرت انگیز جاسوسان ساوا هم اکنون چند صد نفر زندانی در زندانهای تهران شهرستانها متعلق به سازمانهای گوناگون سیاسی و دارند که مذهب است دوران محکومیت شان بپایان رده رژیم شاه از آزاد کردن آنها امتناع میکند. دره شریعلی آزاد کردن ۶۶ تن زندانی سیاسی آیا میت مردم را آرام کند؟ مردم ایران و افکار عمومی خواستار آزادی تمام زندانیان سیاسی هستند و بم خود علیه رژیم ترور و اختناق تا حصول پیروزی اند خواهند داد.

ویژه نامه « دنیا »

بمناسبت پنجاه سالگی سلطنت خانواده پهلوی، عنوان « پنجاه سال تبه کاری و خیانت » بنا بخواه علاقمندان تجدید چاپ شد.

رفیق گرامی!

کاشانیان

کسکک شما مبلغ ۹۵۰ دلار و ۱۲۲۰ م آلمان فدرال رسید. بسیار سپاسگذاریم